

چند تکه‌ی لغزان بر لبه‌ی سُرّانِ یک وضعیتِ پیچان

نویسنده: علیرضا اجلّی



نشر کتاب مس

www.mesbooks.com

اجلی، علیرضا، ۱۳۶۴-

چند تکه‌ی لغزان بر لبه‌ی سران یک وضعیت پیچان/علیرضا اجلی

تهران: کتاب مس، ۱۳۹۴.

۷۲ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۷۳۸-۷۶-۸

نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴

PIR۸۳۳۴ / چ۸ع۹ ۱۳۹۴

۸۵۲/۶۲

۴۰۳۳۵۵۹

چند تکه‌ی لغزان بر لبه‌ی سران یک وضعیت پیچان



نشر کتاب مس

www.mesboo.com

نویسنده: علیرضا اجلی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۳

تیراژ: ۷۲ جلد

طراحی جلد: کارگاه نشر مس

عکاس صفحه: محیا علی‌یار

صفحه آرا: مختار زندگی

چاپ: نظر

صحافی: کیارش

حق چاپ و نشر محفوظ است

نشر کتاب مس، تلفن: ۴۴۶۵۹۰۳۵-۶

[کودتای بیست‌وهشت مرداد؛ کریم و نسیم و سیروس و سیمین می‌دوند و مضطرب هستند. هر چهار نفر رویِ خانه‌ی مصدق جمع می‌شوند و نمادی از تفرقه و یأس هستند. هدایت‌میرزا فانوسی در دست دارد و بقیه مدام از بین می‌روند. به طور اغراق‌شده‌ای هر چهار نفر مایوس هستند. لحظه‌ی پر از پریشانی و اضطراب است. عکس مصدق در دستان مردم است. شعبون بی‌مخ و دار و دسته‌اش فریاد می‌زنند. «ن ۱۳۵۷؛ میدان ژاله، ابراهیم، باباجون و نرگس. یک مرد تیرخورده و خون‌آلود را می‌بیند. نو. رمز پخش می‌شود روی صحنه. مردم دست در دست یکدیگر به جلو می‌روند به ریمیر می‌خورند و برمی‌گردند وحدت و امید. ابراهیم تیر می‌خورد. باباجون به سمت ابراهیم می‌رود. باباجون با دستان خون‌آلود بلند می‌شود و عکاسی عکس می‌گیرد. نسیم و شیدا از تاریکی بیرون می‌آیند. نسیم روشن است و شیدا خاموش. شیدا می‌دود و مدام پشت سرش نگاه می‌کند. پایش پیچ می‌خورد و می‌افتد. تفرقه و امید. همه‌چیز پیچ می‌خورد. شیدا لپ‌تاپش را باز می‌کند و ایمیل می‌زند. نسیم به طور اغراق‌شده‌ای داد و آیین می‌پرد و می‌خواهد خودش را نشان دهد. شیدا ایمیل می‌زند. نامه‌ها روی سرش می‌خورد. سیروس و نسیم با ساک دستی در حال رفتن‌اند. کریم در جنگل به دنبال هدایت‌میرزا است. هدایت‌میرزا با فانوسی راه را به کریم نشان می‌دهد. نسیم و شیدا می‌دوند. سیروس ابراهیم را در آغوش گرفته. صحنه پر از مه می‌شود. گازی سمی روی صحنه پخش می‌شود.]